تهافت وجود دو اعتقاد در نسخه روایت ابن راشد

(32:14)

شاگرد۲: از کجای روایت عدم اعتبار غیوبت بعد الشفق را فهمیدند؟

استاد: آن جا که تصریح میکنند بعد الشفق غائب شد به زمان طویل و اعتقاد پیدا کرد که چهارشنبه بهخاطر این امره، اول بوده است. اما حضرت نفیش کردند.

شاگرد۲: کجا نفی کردند که چهارشنبه اول ماه بوده؟

استاد: بعد این اعتقاد نامه نوشتند که «زادک الله، لقد صمتَ بصیامنا»؛ همان روز پنج شنبه که روزه گرفتی صیام ما بوده، و بعد هم فرمودند «صمتُ».

شاگرد: در ذهن ایشان این است که این با مسأله قضاء سازگار است یا نه؟

استاد: مسأله قضا را الآن میگویم.

شاگرد۲: قضاء را بعدًا بحث میکنیم. الآن این روایت دارد که چون بعد از شفق بزمان طویل بود، اعتقاد پیدا کردم که صوم یوم الخمیس است؟ ما که ندیده بودیم، چون روی حساب استصحاب آمده بودیم. شهر عندنا ببغداد یوم الاربعاء، بهخاطر آن غروب بعد الشفق بزمن طویل است. این دو در کنار هم آمدهاند.

استاد: اعتقاد متهافت؟!

شاگرد۲: او که اول ندیده بود.

استاد: میدانم ندیده بود ولی فردا که دید. کشف الخلاف؛ کشف خلاف شد.

شاگرد۲: چون ندیده تکلیف فعلی او صوم یوم الخمیس بوده؛ اعتقدتُ انّ...

استاد: اینکه اعتقاد نمیخواهد. اعتقاد پیدا کردم که پنج شنبه گرفتهام؟! اینکه غلط است بگویی «اعتقدتُ».

شاگرد۲: اعتقاد پیدا کردم که پنج شنبه روزی بود که تکلیف فعلی برایم داشت.

استاد: باز اعتقاد نمیخواهد. او مستصحب بوده و همه متشرعه میدانند. اصلًا این نیاز به اعتقاد ندارد.

شاگرد۲: اعتقاد بهخاطر این است که دو روز است.

بازبینی #2
ایجاد شده 8 ژانویه 2026 15:19:43 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژانویه 2026 15:30:19 توسط ... .